

## معماری حمام در متون طب کهن و

### مقدمه رساله دلاکیه

تاریخ پیدایش حمام کاملاً روشن نیست. بنا بر برخی از روایات افسانه‌ای، نخستین گرمابه را سلیمان پیامبر ساخت<sup>۱</sup> و بنا بر برخی روایات دیگر، جمشید پیشدادی<sup>۲</sup> شاید چشمه‌های آب گرم، که آب تنی در آنها آرامش آور است، اندیشه ساخت حمام را در ذهن پیشینیان پدید آورده باشد. از دیرباز برای هر یک از اقسام این نوع آب‌ها خواص درمانی خاصی قایل بوده‌اند<sup>۳</sup> و بر فراز این چشمه‌ها حمام می‌ساختند؛<sup>۴</sup> و احتمالاً همین منشأ پیوند طب و استحمام بوده است. در کتب و رسالات طب، سخنانی درباره خواص درمانی استحمام و آداب حمام رفتن هست که می‌توان از آنها دستور معماری حمام را بر مبنای طب سنتی استخراج کرد. یکی از این رسالات، که در این مقاله به معرفی آن خواهیم پرداخت، رساله دلاکیه، نوشته محمدکریم‌خان کرمانی در نیمه دوم سده سیزدهم هجری است. اما پیش از آن، روایاتی از کتب تاریخی و ادبی در باب حمام می‌آوریم تا چشم‌اندازی از زمینه تاریخی گرمابه‌سازی پیش روی خواننده بگستریم. پس از آن، بنای حمام و ارتباط آن را با اصول موضوعه علم طب سنتی بر مبنای رساله دلاکیه و بعضی دیگر از متون طب شرح خواهیم داد. سپس رساله دلاکیه را معرفی و در آخر، مقدمه رساله را، که موضوع بحث ماست، عیناً نقل می‌کنیم.

**بنای حمام در روایات تاریخی و ادبی**  
به نوشته برخی محققان، در ایران پیش از اسلام ساخت گرمابه و استفاده از آن رواج چندانی نداشته و حتی گاهی با ساخت آن سرسختانه مخالفت می‌شده است.<sup>۵</sup> آورده‌اند که بلاش، پادشاه ساسانی (حک ۴۸۴-۴۸۸ م)، چون خواست در شهرها حمام عمومی بسازد با خشم موبدان رویه‌رو شد؛ زیرا این کار را بی‌حرمتی به دین می‌شمردند.<sup>۶</sup>

پس از اسلام، وجوب شستشوی تن برای گزاردن فرائض دینی موجب رونق گرفتن گرمابه‌سازی شد. گویا نخستین گرمابه دوران اسلامی حمام الفار باشد که در شهر فسطاط مصر به دستور عمرو عاص بنا کردند.<sup>۷</sup> در روزگار امویان، حمام را در کاخ خلفا می‌ساختند: قصیر عمره (۹۴-۹۷ق) و حمام صرخ (۱۰۷-۱۱۰ق) و قصر الحیر الغربي (۱۱۰-۱۱۱ق) و خریة المفجر (۱۲۶-۱۲۷ق).

در فرهنگ اسلامی، حمام از دو جهت موضوع علم طب بوده است: نخست خواص درمانی حمام؛ دوم اصول بهداشتی در ساختن و نگاه‌داشتن حمام. از همین رو، حمام فصل مشترک طب و معماری است. بر مبنای طب کهن، حمام را باید بر اساس چهار طبع اصلی ساخت: گرم و سرد و خشک و تر، که با مزاج‌های فصول چهارگانه سال و خلط‌های چهارگانه بدن و رده‌های سال‌های عمر آدمی نیز متناسب است. حمام باید چهار بخش یا خانه داشته باشد؛ و معماری هر یک چنان باشد که آن را با یکی از طبایع یا اخلاط متناسب سازد. این موضوع در متون طب در خلال مطالب دیگر آمده است و متونی که در آنها به صراحت و استقلال به حمام پرداخته باشند اندک است.

رساله دلاکیه نمونه‌ای از این متون کمیاب است. این رساله را شخصی به نام محمدکریم‌خان کرمانی، به خواهش کریلایی رضا سلمانی، در نیمه دوم سده سیزدهم هجری نوشت. رساله دلاکیه حاوی مجموعه‌ای از باورهای دینی و اصول پزشکی کهن است. نویسنده در مقدمه رساله از معماری حمام سخن می‌گوید: چهار خانه حمام و ویژگی‌های آنها؛ اینکه باید سقف حمام را مرتفع بسازند و هر چندگاه شیشه روزن‌هایش را بردارند تا از عفونت هوا جلوگیری شود؛ اینکه در داخل حمام مستراح نسازند؛ و اینکه حمام در اتصال با بیرون دالان‌های پیچاییج داشته باشد تا تبادل هوای آن با بیرون به حداقل برسد. در انتهای این مقاله، متن مصحح مقدمه رساله دلاکیه آورده شده است.

کریستین پرلیس گزارشی از یک نمونه از این حمام‌های تاریخی داده است:

هیچ کاخی بی گرمابه‌ای مفصل کامل نبود. عربان، مانند رومیان، پاک‌ی تن را بس مهم می‌دانستند. در شهرهای سوریه، عربان بسیاری از ساختمان‌های کهن را که از زمان رومیان مانده و ویران شده بود دیده بودند و گرمابه‌ها را نیز گرده آنها می‌ساختند. در گرمابه خربة المفجر، آرایش‌های دل‌انگیز باکنده‌کاری بر سنگ و حتی مجسمه آدمیان برآورده بودند. طاق در ورودی با مجسمه خلیفه در جامه سرخ آراسته شده و این در از رواقی گنبددار به تالاری بزرگ که کف آن با موزاییک پوشیده شده باز می‌شود. در سوی جنوب این تالار، استخری برای شنا بود و در سوی شمال اتاق‌های کوچک گرمابه و تون آن قرار داشت. دو گرم‌خانه داشت که از زیر کف مرمرین و دیوارهای آنها لوله‌های هوای گرم می‌گذشت. همچنین دو اتاق سردخانه داشت و یک خزانه‌خانه و اتاقی بخار که از سوراخ‌های کف آن بخار بیرون می‌آمد. در کنار گرمابه، تالار بار کوچکی بود که خلیفه در آن بار می‌داد و کف آن با زیباترین موزاییک‌ها آرایش شده بود و طرحی همچون یک فرش ایرانی داشت و یک نقش نیم‌دایره با درختی و سه آهو و شیری به رنگ‌های سیاه، آبی مایل به سبز و قهوه‌ای در آنجا برآورده بودند. به هنگامی که این ساختمان بر اثر زلزله‌ای به سال ۱۳۱۱ ق ویران شد. تنها بخشی که بی‌درنگ ترمیم و به کار افتاد همین گرمابه بود.<sup>۸</sup>

در دوره عباسیان، حمام‌داری برای افراد و بزرگان که از آن بهره می‌گرفتند سرچشمه درآمد هنگفتی شد که علتی برای شمار فراوان گرمابه‌ها شد. در برخی منابع آمده است که مسلم بن ابی بکره از گرمابه‌اش در بصره هزار درهم درآمد ماهانه داشت.<sup>۹</sup> به نوشته آدام متز<sup>(۱)</sup> «در قرن سوم، تنها در سمت شرقی بغداد پنج هزار حمام وجود داشت. در نیمه اول قرن چهارم تعداد حمام‌ها در شرق و غرب بغداد به ده هزار رسید»<sup>۱۰</sup> که البته در دهه‌ها و سده‌ها بعد از تعداد آنها کاسته شد. در سفرنامه ناصر خسرو، که گزارش سفرهای او میان سال‌های ۴۳۷ و ۴۴۴ ق است، گزارش شیوه بنای گرمابه بسیار اندک است؛ با آنکه نگاه او معمارانه بوده و در هر شهر به مساحت آن و بناهای اصلی‌اش پرداخته است. او از دو گرمابه شهر مکه یاد کرده که «فرش آن سنگ سبز [است] که فسان<sup>(۱۱)</sup> سازند»<sup>۱۱</sup>

گویا در روزگار عنصر المعالی، حمام‌ها بسیار شلوغ بوده است: «و اگر گرمابه خالی بود، غنیمتی بزرگ بدان که حکما گرمابه خالی را غنیمتی دارند از جمله غنیمت‌های بزرگ»<sup>۱۲</sup> شاید هم منظور این باشد که حمام خلوت بهداشتی‌تر است.

همو با اشاره به قسمت‌های مختلف حمام می‌افزاید: «چون به گرمابه روی، اول به خانه سرد شو و یک زمان توقف کن؛ چندان که طبع از وی حظی یابد. آن‌گاه در خانه میانگی زو و آنجا یک زمان بنشین تا از آن خانه نیز بهره یابی. آن‌گاه در خانه گرم شو و ساعتی همی باش تا حظ خانه گرم نیز بیابی»<sup>۱۳</sup>

از همین مختصر می‌توان دریافت که گرمابه در سرزمین‌های اسلامی تا چه اندازه اهمیت داشته است. گرمابه هم محل شستشو، رفع خستگی، اصلاح سر و تن، درمان، و حجامت بوده است و هم مکانی برای گفتگو و تبادل نظر و خبر. همچنین بسیاری از قتل‌های تاریخ‌ساز در حمام واقع شده است. اعتقادات عامیانه راجع به حمام نیز خود مباحثی گسترده است. به همین علل، در متون تاریخی سخن از حمام و آداب آن بسیار است؛ هرچند آنچه برای سخن ما به کار می‌آید، یعنی استخراج قواعد و خصوصیات معماری گرمابه‌ها در این میان فراوان نیست.

معماری حمام در متون طب سنتی متأسفانه در بیشتر منابع عربی و فارسی به‌جامانده از آن روزگار، به شیوه ساخت گرمابه و نظام مهندسی و ابزارهای به‌کاررفته، به‌قدر کفایت نیرداخته‌اند و در کارنامه درس‌نامه‌های پزشکی و بهداشتی به زبان فارسی و عربی، نوشتارهایی که در آنها مستقلاً به موضوع «حمام و متعلقات آن» پرداخته باشند چندان نیست.<sup>۱۴</sup>

اما از همین رسالات و منابع معدود چنین مستفاد می‌شود که ساختمان حمام براساس چهار طبع اصلی طب کهن بنا می‌شده است: گرم و سرد و خشک و تر. مزاج فصول سال یا خلط‌های چهارگانه بدن و رده سال‌های عمر آدمی را نیز به همین مقیاس تعیین می‌کردند. سبب آن بود که علم قدیم بر نظام هستی‌شناسی‌ای استوار بود که در آن، جهان مادی را متشکل از عناصر اربعه می‌دانستند. سلامت تن آدمی را نیز در گرو تعادل اخلاط

(1) Adam Metz

(۲) نوعی سنگ که در قدیم برای تیز کردن کارد و شمشیر از آن استفاده می‌کردند

اربعه می‌شردند. حال که ساختار طبیعت این چنین است و سلامت زمین و تن مردمان بر آن استوار شده، اگر حمام نیز بدین گونه ساخته نشود، بیماری‌زا خواهد بود.

این سینا معتقد بود که بنای حمام مانند طبیعت آدمی است که شامل اسطقس (چهار عنصر هوا و آتش و خاک و آب) و اخلاط (بلغم و صفرا و سودا و خون) و روح (نفسانی و طبیعی و حیوانی) است؛ یعنی از سنگ و آب و هوا تشکیل شده است.<sup>۱۵</sup>

حکمای قدیم معتقد بودند که حمام را باید در ترازوی پایین‌تر از سطح زمین ساخت تا از تبادل حرارت آن با بیرون کاسته و گرم کردن آن آسان شود.<sup>۱۶</sup>

بنا بر متون، حمام چهار بخش یا «خانه» اصلی داشت:

### ۱. خانه اول

مزاج خانه اول سردخانه، رخت‌کن، بینه سرد و خشک است، که برابر فصل پاییز و خلط سودا در بدن است. شیزری در کتابش یاد کرده است که در خانه نخست، سکوهایی سنگی هست که بر آنها تشک و فرش می‌گسترند. در اینجا لباس‌ها را در می‌آوردند و به رخت‌آویز می‌آویختند یا بر طاقچه و رف می‌نهادند. محل حمامی<sup>۱۷</sup> و دخل او نیز در همین‌جا بود. به گفته علی عباس اهوازی، حرارت این قسمت چندان نیست که بر بدن اثری داشته باشد.<sup>۱۸</sup>

### ۲. خانه دوم

مزاج آن سرد و تر است، که برابر فصل زمستان و خلط بلغم در بدن است. برخی نویسندگان نام «گرم‌خانه اول» بدان داده‌اند که نسبت به خانه اول گرم‌تر ولی سردتر از «گرم‌خانه دوم» یا خانه سوم بوده است.

در اینجا به مشتریان لُنگ می‌دادند و بدن آماده می‌شد که با گرما و رطوبت درآمیزد. ترتیب خانه‌ها بر این مبنا بود که بدن، چه در ورود و چه در خروج، در معرض تغییر ناگهانی دما و رطوبت قرار نگیرد. امروز نیز دریافته‌ایم که برخی از بیماران، از جمله آنان که نارسایی قلبی یا تنفسی دارند، با تغییر ناگهانی دما و رطوبت ممکن است دچار ایست قلبی یا شوک‌های غیرطبیعی شوند.

### ۳. خانه سوم

مزاج آن گرم و تر است، که برابر فصل بهار و خلط خون در بدن است. شماری به آن نام «گرم‌خانه دوم» هم داده‌اند. خانه سوم خانه اصلی حمام و جای زدودن چرک و شستشو بود.

عَرَق فراوان آوردن و البته گاهی خوردن آب بسیار گرم، کیسه‌کشی، لیف‌زنی، مشمت و مال، زدودن موهای حجامت و فصد در همین خانه سوم انجام می‌گرفت. به قول علی بن عباس اهوازی، این کارها بدن را کاملاً گرم می‌کند و بسیار به تحلیل می‌برد و فضولات تن را به در می‌کند.<sup>۱۹</sup>

خزینة حمام در همین خانه است. در خزینة حمام، که محل اصلی استحمام بود، آلودگی‌های بدن را می‌شستند و به قول ناصر خسرو، شوخ تن را در آن باز می‌کردند.<sup>۲۰</sup>

گرم‌خانه را از دیوارهای ضخیم با زیرسازی مرمرین و مقاوم در برابر گرما و بخار می‌ساختند. گاهی بخش زیرین دیوارها را قیراندود می‌کردند و روی آن را با ساروج می‌پوشاندند. کف حمام را نیز با قیر می‌اندودند تا در برابر جریان مداوم آب گرم مقاوم باشد. سقف گرم‌خانه معمولاً مرتفع‌تر از خانه‌های دیگر بود و گنبدها (قبه‌ها)ی آن از بیرون دیده می‌شد. طاق اصلی گرم‌خانه جام‌خانه داشت و از شیشه‌های آن روشنائی به درون می‌آمد. حمام را با همین نور طبیعی روشن می‌کردند؛ زیرا روشن کردن چراغ یا شمع یا هر گونه آتشی را که سبب اختلالات قلبی تنفسی می‌گردد برای سلامت زیان‌بخش می‌دانستند. شاید از همین رو بود که هنگام غروب گرمابه‌ها تعطیل و با آغاز روز دوباره گشوده می‌شد.

تون حمام بخش گرماساز حمام بود که در پشت گرم‌خانه (خانه سوم) جای داشت و با تیغه‌ای مشبک از آن جدا می‌شد. هوای گرم شده از طریق این سوراخ‌ها به گرم‌خانه مرکزی وارد می‌شد. گاهی هم تون در زیر گرم‌خانه بود و کف آن و آب خزینة را گرم می‌کرد. آب داغ از مخزن یا فواره وسط خزینة بیرون می‌آمد.

### ۴. خانه چهارم

مزاج آن را گرم و خشک می‌دانستند، که برابر فصل تابستان و خلط صفرا در بدن است. این خانه گرم‌ترین خانه‌ها بود.



را بردارند تا از عفونت هوا جلوگیری شود؛ اینکه حمام مستراح نداشته باشد؛ و دالان‌های پر پیچ‌وخم داشته باشد تا از تبادل هوا با بیرون کاسته شود.

### مقدمه رساله دلاکیه

بدان که حمام بنایی است از وضع حضرت سلیمان؛ چنان‌که نقل کرده‌اند. و بعضی گفته‌اند که از وضع حکماست.

و حمام باید چهار خانه باشد، تا بر نفع اعتدال باشد؛

خانه اول باید سرد و خشک باشد، که در آن آب نباشد.

و خانه دوم باید سرد و تر باشد؛ یعنی حرارت آتش به آن

نرسد و آب سرد داشته باشد.

و خانه سیوم گرم و تر باشد، که بخار اندرون‌خانه به آنجا برسد و آب هم داشته باشد.

و چهارم خانه باید گرم و خشک باشد، که حرارت آتش

در آنجا قوی باشد. و هوایش به نهایت گرم باشد که عرق آورد و

رطوبت‌های بدن به واسطه عرق کردن کم شود. و به آن واسطه،

گرم و خشک باشد، نه آنکه آب نداشته باشد؛ چنان‌که از حضرت

امام رضا (ع) مروی است که فرمودند که «حمام مرکب است بر

ترکیب بدن انسان؛ و از برای حمام چهار خانه است، مثل چهار

طبیعت جسد: خانه اول سرد و خشک است؛ و دوم سرد و تر؛ و

سیوم گرم و تر؛ و چهارم گرم و خشک.» و فرمودند: «منفعت حمام

عظیم است: بدن را معتدل می‌کند و چرک را می‌برد. پی را ورگ

را نرم می‌کند و تقویت اعضای بزرگ می‌کند و فضول را آب می‌کند

و عفونت را می‌برد. و اگر خواهی در بدن تو جوشش و بخار پیدا

نشود، اول مرتبه در حمام بدن خود را به روغن بنفشه چرب کن،»

تا آخر حدیث.

و بدان که حمام باید سقفش بلند باشد، تا هوایش به جهت

مردم و عفونت چرکها و زیرآبها و متوضاها فاسد نشود. و

روزنها داشته باشد که هر زمان هوای آن متعفن شود، شیشمهای

آن را بردارند، تا هوای متعفن بیرون رود؛ بلکه اگر هر شب بعد

از بیرون رفتن مردم چند ساعتی بعضی از روزنها را بردارند که

عفونت بیرون رود بهتر است. و متوضا در اندرون‌خانه نباشد و

راه به آن نداشته باشد، که عفونت داخل گرم‌خانه شود و سوراخ

زیرآب گرم‌خانه بسیار تنگ باشد که عفونت بیرون نیاید.

و باید حمام کهنه باشد، که بوی ساروج و آهک و گل ندهد؛

و بعضی گفته‌اند که هفت سال از بنایش گذشته باشد.

و باید رخت‌کن حمام بسیار سرد نباشد که در هنگام بیرون

آمدن ضرر رساند و چایش عارض شود. و اگر کسی را طاقت

آنجا نباشد، در خانه سیوم جامه را بکند و پوشد.

و در حمام، بخورهای گرم، مانند کدر، نباید کرد که باعث

سردرد و تنگی نفس شود؛ و بلکه بخورهای سرد، مانند صندل،

پسندیده است.

و حذر کند بسیار از افروختن زغال، چه در جامه‌کن و چه

در گرم‌خانه، که سم قاتل است؛ بلکه حذر کند از گذاردن آتش،

اگرچه سوخته باشد، در گرم‌خانه، که بسیار مضر است.

و باید دالانهای حمام پیچ‌وخم بسیار داشته باشد که هوای

بیرون داخل نشود و گردد و غبار کوچمها داخل نشود که بسیار

مضر است.

و آبها در حوضها و خزانهها به قدر آنکه متعفن شود و

هوای حمام را فاسد کند نگذارد. و همچنین در گوشه و کنار حمام

بهمچوجه نگذارد که کثافات جمع شود و بماند و بخار کند و هوا را

فاسد کند؛ چرا که اگر هوایش متعفن شد کثیرالضرر است، خاصه

برای دلاکان و کسانی که بسیار در حمام می‌مانند؛ و باعث تبها و

عفونت اخلاط می‌شود.

و همچنین شایسته نیست نمد بر در حمام بستن؛ چرا که

چون رطوبت و حرارت بدان رسد، متعفن می‌شود و بخارش باعث

عفونت حمام می‌شود. بلکه بهتر آن است که تختهای در متصله و

بی فرجه باشد که هوای حمام بیرون نرود.

و نوره‌کش خانه در اندرون‌خانه نباید باشد و راه به آنجا نباید

داشته باشد، که عفونت آهک در حمام مضر است. و نوره در حمام

نسازد که بخار آهک در حمام بلند شود.

و بهترین حمامها آن است که آبش شیرین و گوارا باشد و آب

شور و تلخ مضر است به بدن؛ مگر به صاحب استسقا و بلغمی مزاج

که برای آنها آب شور نافع‌تر است.

و همچنین باید حمام آتش به آتش گرم شده باشد؛ نه

آنکه از چشممهای گرم باشد، که آب چشممهای گرم از جهنم و

حرارت جهنم گرم شده است و مضر است و شفا جستن به آنها

خوب نیست؛ چنان‌که از رسول خدا (ص) رسیده است. و به

صفراوی مزاجان بسیار مضر است.

و در هر خانهای از خانهای حمام، آبی مناسب هوای آن

ضرور است و استعمال مناسب آب باید بکند. پس در گرم‌خانه

آب سرد و در سردخانه آب گرم مناسب نباشد.

و حذر کند از گشودن سوراخ و دودکش حمام در حمام،

چه کسی در حمام باشد و چه نباشد، که باعث عفونت هوای حمام

می‌شود و مورث صداع و خفقان و غشی می‌شود و بسیار مضر

است.

حمامی روند و از غیر آن اجتناب کنند، تا ان شاء الله بسلامت باشند. □

و بهتر آن است که حمام بسیار وسیع باشد که هوایش از بوهای بد و دود قلیان و نفس های مردم به زودی متعفن نگردد. و بهتر آن است که بسیار روشن باشد، که حمام روشن مفرح است و حرارت و قوای انسان را اتعاش می کند و خون را زیاد می کند؛ به خلاف حمام تاریک و تیره، که باعث وحشت و غلبه سودا می گردد. و بهتر آن است که حمام را سفید کنند که سبب روشنایی می شود و تفریح می آورد.

و زمین حمام باید سنگ سخت باشد، تا عفونت قبول نکند و آب در آن نفوذ نکند و نماند. پس اگر ساروج یا آجر باشد، آب در آن نفوذ کند و متعفن شود و بخاری که از آن برمی خیزد متعفن است و مضر است.

و لنگها را در اندرون حمام مدتی نگذارد و شب در گرمخانه نگذارد، که به زودی عفونت می کند و هوا را فاسد می کند و هر کس به خود می بندد از عفونت آن متضرر می شود. و لنگها را در آفتاب بخشکانند که عفونتش کم شود و حرارت آفتاب جذب بخارهای متعفن آنها را کند؛ و در سایه، رفع عفونت آنها نمی شود. و همچنین روی سنگ حمام بخشکانند، که بخارهای متعفن از آنها برمی آید و هوا را فاسد می کند. و حمام باید خزانهای متعدد داشته باشد و یک از یک گرمتر باشد، که صاحب هر مزاجی با آب مناسب شستشوی خود را کند: بلغم مزاجان را آب گرمتر شایسته است؛ و صفراویان را آب سردتر؛ و دموویان را آب سرد و سوداویان را آب معتدل بهتر است. در فصل زمستان حمام گرمتر بهتر است و در فصل تابستان معتدل تر.

و آنچه وارد شده است از حضرت امام موسی (ع)، هر وقت می خواستند به حمام روند، می فرمودند که سه روز آتش کنند؛ و نمی شد که داخل حمام شوند مگر آنکه سیاه را می فرمودند که می رفتند در حمام و نهرها می انداختند. پس وقتی که حضرت می رفتند، گاهی می نشینند و گاهی از شدت گرمی می ایستادند؛ نه از جهت آن است که مستحب است که مردم هم چنین کنند، بلکه مناسب مزاج ایشان چنین بود.

و صاحب مزاج صفراوی و حمام بسیار گرم البته متضرر می شود و بسا آن که غشی کند. پس حمام باید جاهای خنکتر و جاهای گرمتر داشته باشد، تا صفراویان در موضع خنکتر حمام در نزد حوضهای سرد بنشینند و بلغم مزاجان در مواضع گرم که در زیرش آتش باشد بنشینند. و دمووی و سوداویان در جاهای معتدل بنشینند.

این جمعی است از امر حمام که نوشته شد به جهت آنکه هر کس می سازد و مباشر می شود چنین کند و غیر آنها در چنین

### کتاب نامه

- این اخوه. آیین شهرداری. ترجمه جعفر شعار. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله. حفظ الصحة. به کوشش سیدحسین رضوی و منصوره عرب. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.
- ابن عبدالحکم. فتوح مصر و المغرب. تصحیح علی بن محمد عمر. قاهره: مکتبه الثقافة، ۱۴۱۵ق.
- اصطخری. مسالك الممالک. به کوشش ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- برایس، کریستین. تاریخ هنر اسلامی. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
- خواندمیر، حبیب السیر. تصحیح جلال الدین همای. تهران: خیام، بی تا.
- علی بن عباس اهوازی. کامل الصناعة فی الطب. قم: احیاء طب طبیعی، ۱۳۸۷.
- عنصر المعالی. قابوس نامه. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- متر، آدام. تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- محمد بن محمود بن احمد طوسی. عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات. به کوشش جعفر مدرس صادقی. تهران: مرکز، ۱۳۷۵.
- محمد کریم خان کرمانی. رساله دلاکیه. نسخه خطی ش ۲۹۲۵. به خط محمد رفیع نائینی، کتابخانه مسجد اعظم قم.
- مناظر احسن، محمد. زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ناصر خسرو. سفرنامه. به کوشش نادر وزین یور. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. محمدکریم‌خان کرمانی، رساله دلاکیه، ب. ۱. پ.
۲. خواندمیر، حبیب‌السیر، ۱: ۱۷۸.
۳. مثلاً محمد بن محمود همدانی در نسخه‌ای متعلق به سده ششم از چشمه زراوند، میان خرغان و قزوین، یاد کرده است: «آبی گرم است و شریف و نافع به اجام. هر آدمی و چهارپای که آن را جراحی‌ها بؤد و جذام و بادها و علت‌های عسرة البرء، وی را در آن آب نشانند شندمل گردد و بگشاید [...]». شخصی را تیری زده بودند و پیکان در اعضای وی مانده و گوشت به سر پیکان درآمده و مردم می‌گفتند این پیکان به جگر رسیده است. سه روز وی را در این آب نشانند، پیکان از پهلو وی بیرون آمد. — نقل شده در: محمد بن محمود بن احمد طوسی، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، ۱۰۷.
۴. اصطخری در مسالک‌الممالک از حمام‌هایی از این نوع در تفلیس خبر می‌دهد: «و تفلیس مدینه دون باب الابواب فی الکبر و علیها سوران من طین و لها ثلاثة ابواب و هی خصبة جداً کثیرة الفواکه و الزروع و هی نقر و بها حمامات مثل حمامات طبرية ماؤها سخن من غیر نار.» — اصطخری، مسالک‌الممالک، ۱۸۶.
۵. کریستین پرایس، تاریخ هنر اسلامی، ۱: ۲۶.
۶. همان، ۱: ۱۲۶.  
اینکه در گذشته در ایران، پیش و پس از اسلام، به حمام‌های عمومی نظر مساعد نداشته‌اند شاید از جهتی ناشی از شیوع فسادهای اخلاقی و اجتماعی باشد. به همین سبب، در بعضی از دوره‌ها مردم ترجیح می‌دادند در خانه شستشو کنند. را در خانه‌ها و به شکل ساده‌تر و ابتدایی‌تر انجام دهند.
۷. مأخذ این مطلب کتاب ابن عبدالحکم است؛ آنجا که می‌گوید: «الحمام الذی یقال له حمام الفار. و إنما قیل له حمام الفار ان حمامات الروم کانت دیماسات کبار. فلما بئى هذا الحمام، و رأوا صفره، قالوا: من یدخل هذا! هذا حمام الفار.» — ابن عبدالحکم، فتوح مصر و المغرب، ۱۲۱. سیوطی نیز همین مطلب را از او نقل کرده است.
۸. کریستین پرایس، تاریخ هنر اسلامی، ۱۷-۱۸.
۹. ابن زبیر، ذخائر، ۲۴۸.
۱۰. آدام متر، تاریخ تمدن اسلامی، ۱: ۱۲۷.
۱۱. ناصر خسرو، سفرنامه، ۸۹.
۱۲. عنصرالمعالی، قابوس‌نامه، ۸۹.
۱۳. همان، ۸۸-۸۹.
۱۴. برخی از رساله‌های عربی مربوط به حمام در سده‌های هشتم تا دهم هجری:  
الإمام بآداب دخول الحمام، ۷۵۳ق؛  
القول التام فی آداب الدخول الحمام، سده هشتم؛  
مقالة فی الحمام، سده دهم؛  
داود ضریر انطاکی، رساله فی الحمام، سده دهم؛  
التحفة البکریة فی احکام الاستحمام الکلیة و الجزئیة؛  
محمد بن عبدالله الشبلی السابقی، کتاب فی آداب الحمام.
۱۵. ابن سینا، حفظ الصحة، ۳۶۵-۳۶۹.
۱۶. همان، ۳۶۹.
۱۷. خدمه حمام دست‌کم پنج نفر بودند: حمامی، دلاک، هیزم‌کش، توبیان و آب‌کش. — آدام متر، تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ۱: ۱۲۷. صاب، به نقل از مهماندار، این گروه را دست‌کم شش تن یاد کرده است: (۱) قیتم، که رئیس یا دارنده حمام بود؛ (۲) کرایه‌دار گرمابه، که کارش خوش آمدگفتن به مشتریان بود و دست‌مزدها را دریافت می‌کرد؛ (۳) صاحب صندوق، که نظارت